

مجله دست آوردهای روان‌شناختی
(علوم تربیتی و روان‌شناسی)
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۹۶
دوره‌ی چهارم، سال ۲۴، شماره‌ی ۱
صص: ۲۲-۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۲/۱۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۱/۲۹

سالمندی و معنای زندگی: بررسی میدانی منابع و ابعاد معنا در زنان و مردان سالمند^۱

Elderly and Meaning in Life: Field Study of Sources and Dimensions of Meaning in Old Women and Men

Somyh Ahmadi
Fatemeh Baghreyn
Mahmood Heidar
A Kashfi

سمیه احمدی*
فاطمه باقریان**
محمود حیدری***
عبدالرسول کشفی****

Abstract

The present study has investigated the sources and domains that give meaning to old people's life, from their point of view, presence of and search for meaning and the differences between women and men in these components. Old people aged over 60 in Tehran formed the statistical population of this research. From this population 287 old individuals, aged over 60 years (M: 67.43, Std: 4.75, 54% females), were selected using available sampling method and they completed two instruments of the Schedule for Meaning in Life Evaluation and Meaning in Life Questionnaire. Chi square and analysis of variance tests were applied to analyze the data. The results showed that "family" (92.3%) and "partnership" (54.7%) are the areas that have been reported most frequently as sources of meaning by old people. Moreover, two new categories of sources of meaning in life have been identified in this study, using content analysis method: "morality" and "the need for social approval". Old female and male participants differed in the frequency of mentioning some of the sources of meaning and the dimension of search for meaning. These findings have been discussed in the context of developmental and meaning in life theories.

Keywords: sources of meaning in life, dimensions of meaning in life, elderly

چکیده

مطالعه‌ی حاضر منابع و حوزه‌هایی که از نظر سالمندان به زندگی آنها معنا داده و میزان وجود و جستجوی معنای زندگی و نیز تفاوت زنان و مردان در این مولفه‌ها را مورد بررسی قرار داده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش توصیفی را افراد سالمند بالای ۶۰ سال در شهر تهران تشکیل دادند. از این جامعه‌ی آماری ۲۸۷ فرد سالمند بالای ۶۰ سال (M=67.43، Std=4.75، 54 درصد سالمند زن) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و به دو ابزار برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی و پرسشنامه‌ی معنای زندگی پاسخ دادند. به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل محتوا و آزمون‌های خنثی دو و تحلیل واریانس استفاده گردید. نتایج حاصل حاکی از این است که "خانواده" (۹۲/۳٪) و "رابطه‌ی عاطفی" (۵۴/۷٪) حوزه‌هایی هستند که با بیشترین فراوانی از سوی سالمندان شرکت‌کننده در این مطالعه به عنوان منبع معنا بخش به زندگی گزارش شده است. همچنین در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا دو طبقه‌ی جدید از منابع معنای زندگی مورد شناسایی قرار گرفت: "اخلاقیات" و "نیاز به پذیرش اجتماعی". سالمندان زن و مرد از نظر فراوانی تکرار برخی از منابع معنا و نیز بعد جستجوی معنای زندگی با یکدیگر تفاوت معنی‌دار داشتند. این یافته‌ها در چارچوب نظریات تحولی و معنای زندگی مورد بحث قرار گرفتند.

کلید واژگان: منابع معنای زندگی، ابعاد معنای زندگی، سالمند

۱ مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد.

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده‌ی مسئول)

ssahmadiiii@gmail.com

** استادیار، دانشگاه شهید بهشتی

*** دانشیار، دانشگاه شهید بهشتی

akashfi@ut.ac.ir

**** دانشیار، دانشگاه تهران

مقدمه

ضرورت توجه به بهزیستی سالمندان به عنوان گروهی رو به رشد در ساختار جمعیتی جوامع مدرن امروزی دیری است که دغدغه‌ی پژوهشی بسیاری از محققان در حوزه سلامت روان بوده است. مطالعات بسیاری مولفه‌های متعدد مرتبط با سلامت روانی در این رده‌ی تحولی را مورد پژوهش قرار داده‌اند. در این میان خلاء قابل توجهی که به چشم می‌خورد غفلت از سازی معنای زندگی^۱ به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در بهزیستی آدمی است (پارک، پارک و پیترسون^۲، ۲۰۱۰؛ استگر، اویشی و کسبیر^۳، ۲۰۱۱). به ویژه و با توجه به تأثیرپذیری سازی معنای زندگی از ساختار فرهنگی جوامع (بارتور، ساوایا و پراگر^۴، ۲۰۰۱؛ استگر، کاواباتا، شیمای و اُتاک^۵، ۲۰۰۸) جای مطالعه‌ای که این مولفه‌ی کلیدی در بهزیستی آدمی را در رده‌های پایانی تحول آن در فرهنگ و چارچوبی غیر غربی مورد بررسی قرار دهد خالی است.

ویژگی‌های تحولی سالمندی این دوره از زندگی را تبدیل به برهه‌ای متمایز و در خور توجه از نقطه نظر معنای زندگی می‌کند. آن‌چنان‌که اریکسون (۱۹۸۵) بیان می‌دارد "مرحله‌ی شکفتگی و رشدیافتگی در برابر ناامیدی" به معنای بازنگری همه‌ی زمینه‌های سابق زندگی و تلاش برای انسجام آنها و حفظ یک حس یکپارچه از خود در عین وجود و ظهور نقصان‌های فیزیکی می‌باشد. سالمندی با دگرگونی‌های عمیق فیزیولوژیک، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی همراه است (قربان‌پور و اسماعیلی، ۱۳۹۱). این تغییرات قابل ملاحظه که همراه با سالمندی در توانایی‌های شناختی فرد رخ می‌دهد، سلامت روان او را در معرض تهدید قرار داده و فرد سالمند را مستعد ابتلاء به مشکلات روان‌شناختی متعدد می‌کند. در نتیجه، با وجود نزدیک شدن به پیری و در نتیجه مرگ در این مرحله از چرخه‌ی زندگی تمرکز معنا با مراحل قبلی تحول بسیار متفاوت خواهد بود.

در بررسی معناداری زندگی در سالمندان اولین سؤال اساسی که جلب نظر کرده و قابل توجه می‌باشد این مساله است که اساساً در این گام از تحول حس معناداری زندگی از چه منابع و حوزه‌هایی سرچشمه گرفته و تامین می‌شود. منابع معنای زندگی به آن دسته حوزه‌ها و عواملی اشاره دارد که به زندگی فرد معنا می‌دهند (حوزه‌هایی چون رابطه، کار، معنویت، رشد

1- the construct of meaning in life

2- Park, Park, & Peterson

3- Steger, Oishi, & Kesebir

4- Bar-Tur, Savaya, & Prager

5- Kawabata, Shimai, & Otake

و غیره). مطالعات متعدد صورت گرفته در رابطه با منابع معنای زندگی حاکی از این هستند که با توجه به مرحله‌ی تحولی که فرد در آن قرار دارد می‌توان شاهد تغییراتی در منابع معنابخشی به زندگی او بود (دیتمن-کوهلی و وسترهوف^۱، ۱۹۹۹، به نقل از بارتور و همکاران، ۲۰۰۱). به عبارتی در پاسخ به الزامات بیرونی و درونی زندگی در رده‌های مختلف تحولی محتوای کیفی سیستم معنا و منابع معنابخشی به زندگی در میان جوانان و سالمندان تفاوت قابل توجهی خواهد داشت.

پژوهش‌های چندی منابع معنای زندگی را در میان سالمندان مورد مطالعه قرار داده‌اند (بام و استوارت^۲، ۱۹۹۰؛ بوربانک^۳، ۱۹۹۲؛ بارتور و همکاران، ۲۰۰۱؛ تاکینن و راپولیا^۴، ۲۰۰۱؛ دویر، نوردنفلت و ترنستد^۵، ۲۰۰۸). نتایج این دست پژوهش‌ها حاکی از آن بود که حوزه‌هایی چون روابط، سلامتی، باورها و غیره منابع معنای زندگی در نمونه‌هایی از سالمندان را به خود اختصاص می‌دهند. به عنوان مثال دی‌وگلر و ابرسول^۶ (۱۹۸۱) دریافتند که در مقایسه با دیگر گروه‌های سنی برای افراد و زوج‌های سالمند با میانگین سنی ۷۶ سال عامل "سلامتی" (تمایل به حفظ سلامت جسمی) در منابع معنای زندگی بیشتر ظاهر می‌شود. همچنین، دویر و همکاران (۲۰۰۸) گزارش کردند که عواملی چون احساس تعلق به دیگران، مورد نیاز بودن و کارایی جسمی از عوامل و منابع معنابخش به زندگی سالمندان محسوب می‌گردد.

در کنار منابع معنا مؤلفه‌ی دیگری که در حوزه‌ی معناداری در میان سالمندان حائز اهمیت و توجه می‌باشد ابعاد معنای زندگی است. ابعاد "وجود" و "جستجوی" معنای زندگی اشاره به میزان معناداری و درجه‌ی جستجو و کاوش فعالانه برای یافتن معنای بیشتر دارد (استگر، ۲۰۱۲). بعد وجود معنای زندگی در میان گروه‌های سنی مختلف با میزان بالاتر مؤلفه‌های مثبت روانی همچون رضایت، شادکامی، عاطفه‌ی مثبت و غیره همراه بوده است (استگر، ۲۰۱۲). اما در مقابل، جستجوی معنا به ویژه در گروه‌های سنی بالاتر با بهزیستی پایین‌تر همراه می‌باشد (استگر، اویشی و کاشدان^۷، ۲۰۰۹). این ابعاد نیز همانند منابع معنای زندگی در

- 1- Dittmann-Kohl & Westerhof
- 2- Baum & Stewart
- 3- Burbank
- 4- Takkinen & Ruoppila
- 5- Dwyer, Nordenfelt, & Ternstedt
- 6- De Vogler & Ebersole
- 7- Kashdan

رده‌های تحولی مختلف دستخوش تغییراتی می‌گردند. به این ترتیب که سالمندان در مقایسه با گروه‌های سنی جوان‌تر جستجوی معنای کمتری نشان می‌دهند و با افزایش سن وجود معنای بالاتری را گزارش می‌کنند (استگر و همکاران، ۲۰۰۹؛ استگر و همکاران، ۲۰۱۱). به همین ترتیب شنل^۱ (۲۰۰۹) نیز بیان می‌دارد که معنای زندگی با افزایش سن افزایشی تقریبی دارد؛ این سازه در ۶۰ سالگی به بالاترین سطح خود رسیده و این سطح تا آخر حفظ می‌گردد. در مقابل ریف و کیز^۲ (۱۹۹۵) دریافتند درحالی‌که هدف زندگی با سن افزایش می‌یابد، تجربه خلاء وجودی (بی‌معنایی) برای سالمندان بیشتر از میانسالان است. علاوه بر چنین تناقضاتی، برخی از مطالعات تغییری در میزان معنای زندگی با افزایش سن گزارش نکرده‌اند (رکر، پیکاک و وونگ^۳، ۱۹۸۷؛ دیبیتس^۴، ۱۹۹۹)

مطالعات صورت گرفته روی منابع و ابعاد معنای زندگی به جز برخی استثناءها (کودلا^۵ و همکاران، ۲۰۱۵) عمدتاً در چارچوب‌ها و فرهنگ‌های غربی صورت گرفته است؛ این در حالی است که سازه‌ی معنای زندگی از ساختار و محتوای فرهنگی جامعه اثر گرفته (بارتور و همکاران، ۲۰۰۱؛ استگر و همکاران، ۲۰۰۸) و در هر چارچوب اجتماعی-فرهنگی خاص شاهد تجلی متفاوتی از منابع معنای زندگی هستیم. لذا اطلاع دقیقی در دست نیست از اینکه در فرهنگ‌های غیر غربی و اختصاصاً در جامعه‌ی ما کدام دسته از عوامل و منابع به زندگی سالمندان معنا داده و این گروه جمعیتی خاص و رو به افزایش از نظر ابعاد وجود و جستجوی معنای زندگی چه وضعیتی دارند.

در نتیجه و با در نظر گرفتن خلاء موجود در پیشینه‌ی مطالعات معنای زندگی در سالمندان شناسایی منابع و ابعاد این سازه‌ی اساسی در چارچوب و فرهنگ ایرانی حائز اهمیت می‌باشد. در این راستا پژوهش حاضر در جهت بررسی و شناسایی این مؤلفه‌های معناداری در رده‌ی سنی سالمندان به دنبال پاسخ به سؤالات زیر صورت می‌گیرد: منابع معنای زندگی در سالمندان مشتمل بر چه حوزه‌ها و مواردی است؟ آیا میان منابع و حوزه‌های گزارش شده از سوی زنان و مردان سالمند تفاوت وجود دارد؟ و در نهایت اینکه آیا زنان و مردان سالمند از

-
- 1- Schnell
 - 2- Ryff & Keyes
 - 3- Reker, Peacock, & Wong
 - 4- Debats
 - 5- Kudla & et al

نظر ابعاد وجود و جستجوی معنای زندگی با یکدیگر تفاوت دارند؟

روش

پژوهش حاضر در قالب یک طرح پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری این پژوهش را تمامی سالمندان بالای ۶۰ سال شهر تهران تشکیل دادند. علت در نظر گرفتن این مرز سنی تعریف سازمان بهداشت جهانی از این رده‌ی تحولی است که مطابق با آن سالمندی عبور از مرز ۶۰ سالگی است. در اغلب جوامع از جمله کشور ایران مرز قراردادی ۶۰ سال سن، یعنی زمانی که فرد از خدمت بازنشسته می‌شود، آغاز سالمندی را نشان می‌دهد و به همین دلیل افراد ۶۰ سال و بالاتر به عنوان سالمندان یک کشور شناخته می‌شوند. در فاصله سال‌های ۹۵-۱۳۹۴ و به روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۸۷ فرد سالمند بالای ۶۰ سال ($M=67/43$; $Std=4/75$; ۵۴٪ سالمند زن) از مناطق مختلف شهر تهران (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) به نسبت‌های مساوی انتخاب شده و در مطالعه‌ی حاضر شرکت داشتند. به منظور کنترل شرایط پژوهش صرفاً آن دسته از سالمندانی وارد مطالعه شدند که در کنار خانواده و یا به تنهایی و نه در سرای سالمندان سکونت داشتند. در مجموع تعداد ۳۰۰ پرسشنامه به این روش نمونه‌گیری توزیع شد که با حذف پرسشنامه‌هایی که بازگشت داده نشده، یا مخدوش بودند در نهایت ۲۸۷ پرسشنامه تحلیل شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی^۱: این ابزار به منظور ارزیابی معنای زندگی و منابع آن توسط فگ، کرامر، الهاست، بوراسیو^۲ (۲۰۰۸) ایجاد و معرفی شده است. ابزار فوق مهم‌ترین منابع معنابخش در زندگی را مورد سوال قرار داده و همچنین سه شاخص کمی در خصوص این منابع معنای زندگی به دست می‌دهد: شاخص رضایت^۳ (نشانگر میزان رضایت کلی آزمودنی‌ها از منابع معنای زندگی خود است و ارزش آن بین ۱۰۰-۰ می‌باشد)؛ شاخص وزن^۴

1- The Schedule for Meaning in Life Evaluation (SMiLE)

2- Fegg, Kramer, L'hoste, & Borasio

3- Index of Satisfaction (IoS)

4- Index of Weighting (IoW)

(نمایانگر اهمیت کلی منابع معنای زندگی است و ارزشی بین ۱۰۰-۰ دارد)؛ و شاخص وزنی رضایت^۱ (با ارزشی از ۱۰۰-۰ ترکیبی از دو شاخص فوق بوده و به نوعی نمره‌ی کل حاصل از این ابزار را به دست می‌دهد). فگ و همکاران (۲۰۰۸) پایایی بازآزمایی شاخص وزنی رضایت را به فاصله‌ی یک هفته برابر با ۰/۷۲ گزارش می‌کنند، علاوه بر این، همسانی درونی درجه‌بندی رضایت و اهمیت برابر با ۰/۷۱ به دست آمد؛ همچنین این ابزار روایی همگرای خوبی با سایر آزمون‌های سنجش معنا به دست داده است. در مطالعه‌ی حاضر مقیاس مذکور ترجمه و ترجمه‌ی معکوس شده و سپس روایی صوری مقیاس با استفاده از نظر متخصصان مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. بررسی پایایی آزمون به روش بازآزمایی بر روی ۳۵ آزمودنی حاکی از همبستگی برابر با ۰/۶۲، ۰/۵۳ و ۰/۵۹ ($p < ۰/۰۰۱$) برای شاخص‌های رضایت، وزن و شاخص وزنی رضایت در دو بار اجرا پس از ۱۵ روز بود. علاوه بر این، در بررسی همسانی درونی رضایت و وزن منابع معنا در نمونه‌ی مورد مطالعه حاضر آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۸ و ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسشنامه‌ی معنای زندگی^۲: به منظور سنجش ابعاد وجود و جستجوی معنای زندگی از پرسشنامه‌ی معنای زندگی (استگر، فریزر، اویشی و کالر^۳، ۲۰۰۶) بهره گرفته شد. این مقیاس مشتمل بر ۱۰ گویه است که هر ۵ گویه آن یکی از دو مؤلفه "وجود معنا" و "جستجوی معنا" را مورد سنجش قرار می‌دهد و سؤالات آن روی مقیاس ۷ گویه‌ای لیکرت (از ۱: کاملاً غلط تا ۷: کاملاً صحیح) نمره‌گذاری می‌شود. نمره‌های هر دو زیر مقیاس بین ۵ تا ۳۵ متغیر بوده و نمره‌ی بالاتر نشان‌دهنده‌ی میزان بالاتر وجود و یا جستجوی معنای زندگی است. استگر و همکاران (۲۰۰۶) روایی همگرای این ابزار (با آزمون‌های رضایت از زندگی، عاطفه‌ی مثبت و عوامل شخصیتی برون‌گرایی و توافق‌پذیری^۴) و نیز روایی واگرایی آن را (با آزمون‌های افسردگی، عاطفه‌ی منفی، نوزگرایی) بررسی کرده و روایی خوبی برای آن گزارش داده‌اند. همچنین، ضریب همسانی درونی در مطالعات مختلف برای هر دو زیر مقیاس اعتبار بالای ۰/۸ را به دست آمده است (استگر و همکاران، ۲۰۰۸). پایایی بازآزمایی این مقیاس با فاصله

1- Index of Weighted Satisfaction (IoWS)

2- Meaning in Life Questionnaire (MLQ)

3- Frazier, Oishi, & Kaler

4- extraversion & agreeableness

زمانی ۱ ماه برای زیر مقیاس‌های وجود و جستجوی معنا برابر با ۰/۷۰ و ۰/۷۳ گزارش شده است (استگر و همکاران، ۲۰۰۶). در مطالعه‌ی حاضر بررسی پایایی به روش بازآزمایی با فاصله‌ی زمانی ۱۵ روز برای زیر مقیاس وجود معنا برابر با ۰/۷۹ و برای زیر مقیاس جستجوی معنا برابر با ۰/۷۱ به دست آمد ($p < 0/001$). همچنین ضریب همسانی درونی دو زیر مقیاس وجود و جستجوی معنا به ترتیب برابر با ۰/۹۱ و ۰/۹۰ به دست آمد.

شیوه‌ی اجرای پژوهش و تحلیل داده‌ها

ابزارهای پژوهش در اختیار آن دسته از سالمندانی قرار گرفت که پس از توضیحات آزمون‌گران در خصوص هدف مطالعه موافقت خود را برای شرکت در پژوهش اعلام کردند. به شرکت‌کنندگان توضیحاتی در خصوص نحوه‌ی تکمیل ابزارها به ویژه برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی داده شد. در پاسخ به این ابزار در ابتدا از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود که در ابتدا بین ۳ تا ۷ حوزه (منابع معنابخشی) را که به زندگی آنها معنا می‌دهد بدون درجه‌بندی، ذکر نمایند. سپس افراد میزان رضایت خود از هر یک از این منابع و در گام بعد اهمیت هر یک از آنها را مشخص و درجه‌بندی می‌نمایند. شرکت‌کنندگان به صورت خود گزارش‌دهی اقدام به تکمیل پرسشنامه‌ها کردند. در خصوص آن دسته از سالمندانی که در تکمیل پرسشنامه‌ها نیاز به کمک داشتند آزمون‌گران مسئولیت نگارش پاسخ‌های شرکت‌کنندگان را بر عهده می‌گرفتند. به منظور پیش‌گیری از اثر در پاسخ‌گویی ترتیب سؤالات و ابزارهای پژوهش با ترتیبی متفاوت به آزمودنی‌ها ارائه شد. در نمونه‌ی این مطالعه زمان مورد نیاز برای پاسخدهی به طور متوسط برابر با 30 ± 10 دقیقه بود.

در تحلیل داده‌های پژوهش در ابتدا منابع و حوزه‌های معنای زندگی مطرح شده از سوی سالمندان مطابق با دستورالعمل "برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی" مورد بررسی قرار گرفت. سازندگان این مقیاس پانزده طبقه‌ی مجزا از منابع معنابخش به زندگی را مطرح ساخته‌اند: خانواده، رابطه‌ی عاطفی، ارتباطات اجتماعی، کار، اوقات فراغت، خانه، امور مالی، معنویت، سلامتی، رضایت، طبیعت، تعهد اجتماعی، لذت‌گرایی، هنر، رشد. دستورالعمل مقیاس مذکور با ذکر مثال‌هایی از هر طبقه منطق تخصیص منابع ذکر شده از سوی پاسخ‌دهندگان را به تفصیل شرح داده است. در گام اول از تحلیل داده‌های پژوهش منابع مطرح شده از سوی

سال‌مندان به یکی از این پانزده طبقه معنا اختصاص داده شدند. استفاده از برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی در بررسی منابع معنا این امکان را فراهم می‌سازد که علاوه بر طبقات معنای ذکر شده در دستورالعمل مقیاس، منابع معنای جدیدی که از سوی پاسخ‌دهندگان مطرح می‌گردند نیز مورد تحلیل قرار گیرند. علت این امر در اهمیت تفاوت‌های فرهنگی در نمونه‌های مختلفی است که این ابزار در آن اجرا می‌گردد. در پژوهش حاضر نیز برخی از منابع معنای زندگی گزارش شده که قابل تخصیص به هیچ یک از طبقات پانزده‌گانه‌ی از پیش تعیین شده نبودند، به روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفتند. این منابع جدید که به لحاظ فراوانی و دفعات تکرار از سوی آزمودنی‌های مختلف قابل توجه بودند کدگذاری و تحلیل شدند. به این ترتیب دو طبقه‌ی جدید از منابع معنای زندگی که در مجموع از سوی بیش از ۳ درصد از آزمودنی‌ها مطرح شده بودند، ایجاد گردید: "اخلاقیات" (مهربانی، عشق و محبت، خوش اخلاق بودن، صداقت) و "نیاز به پذیرش اجتماعی" (آبرو، احترام از سوی دیگران، احساس ارزشمند بودن در نگاه دیگران، توجه از سوی دیگران).

جهت بررسی اعتبار تخصیص منابع معنا به طبقات مشخص شده دو ارزیاب مستقل و متخصص در حوزه‌ی روان‌شناسی به صورت تصادفی ۳۰ پرسشنامه را بررسی و منابع گزارش شده‌ی آزمودنی‌ها را مطابق با دستورالعمل ابزار طبقه‌بندی نمودند. ضریب توافق میان ارزیابان برای غالب طبقات منابع معنا بین ۰/۷۸ تا ۱ متغیر بود که بیانگر میزان توافق مناسب میان ارزیابان است. لازم به ذکر است که برخی از منابع و حوزه‌های ذکر شده از سوی افراد که قابل اختصاص به هیچ یک از طبقات موجود و به دست آمده نبودند، مطابق با دستورالعمل پرسشنامه حذف شده و نمرات خام مربوط به رضایت و اهمیت آنها در محاسبات بعدی مورد استفاده قرار نگرفت. همچنین آن دسته از منابع مطرح شده که مبهم بوده و به راحتی قابل تخصیص به طبقات نبودند، به تفصیل میان ارزیابان مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت تا توافقی در خصوص تخصیص آنها به طبقات موجود حاصل شود. در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش حاضر علاوه بر روش تحلیل محتوا از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد نمرات مربوط به منابع معنا) و جهت مقایسه بین سالمندان زن و مرد از آزمون‌های کای اسکوئر و تحلیل واریانس چند متغیره بهره گرفته شد.

یافته‌ها

فراوانی دفعات ذکر شده هر یک از طبقات موجود و جدید منابع معنا همراه با درصد و نمرات رضایت و اهمیت هر یک از آن‌ها در جدول ۱ ملاحظه می‌گردد. در مجموع به صورت میانه^۱ ۴ منبع معنای زندگی از سوی آزمودنی‌ها گزارش شد؛ ۰/۷٪ از شرکت‌کنندگان در پژوهش کمتر از ۳ حوزه‌ی معنا را گزارش کردند، ۲۷/۵٪ آزمودنی‌ها به ۳ حوزه‌ی معنا، ۲۸/۲٪ آنها به ۴ حوزه، ۱۹/۵٪ به ۵ حوزه، ۱۰/۸٪ به ۶ حوزه و نهایتاً ۱۳/۲٪ به ۷ حوزه‌ی معنا بخش برای زندگی اشاره کردند. در میان منابع معنای مطرح شده از سوی سالمندان "خانواده"

جدول ۱

منابع معنای زندگی گزارش شده توسط سالمندان به تفکیک طبقات

منابع معنای زندگی بر مبنای طبقه‌بندی موجود در دستورالعمل برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی	منابع معنای زندگی بر مبنای طبقات جدید حاصل از تحلیل محتوا در مطالعه‌ی حاضر	n	%	رضایت از منبع معنای زندگی	اهمیت منبع معنای زندگی
Mean ± SD	Mean ± SD			Mean ± SD	Mean ± SD
۱. خانواده	۲۶۵	۹۲/۳	۲/۲۲±۱/۱۶	۶/۵۰±۰/۷۶	
۲. رابطه‌ی عاطفی	۱۵۷	۵۴/۷	۲/۲۳±۱/۴۳	۶/۴۱±۱/۲۶	
۳. مادیات و امور مالی	۷۸	۲۷/۲	۱/۰۳±۲/۰۴	۵/۴۶±۱/۴۴	
۴. سلامتی	۵۹	۲۰/۶	۱/۱۸±۱/۸۲	۶/۱۳±۱/۲۹	
۵. خانه	۴۹	۱۷/۱	۲/۴۶±۰/۹۱	۵/۸۳±۱/۵۴	
۶. کار	۴۸	۱۶/۷	۱/۶۳±۱/۶۴	۵/۸۷±۱/۱۹	
۷. ارتباطات اجتماعی	۴۴	۱۵/۳	۱/۸۷±۱/۱۵	۴/۷۵±۱/۵۲	
۸. معنویات	۴۴	۱۵/۳	۲/۲۴±۱/۲۱	۶/۱۱±۱/۴۷	
۹. رضایت	۳۹	۱۳/۶	۰/۸۴±۱/۸۹	۵/۶۳±۱/۵۴	
۱۰. طبیعت	۳۱	۱۰/۸	۲/۷۷±۰/۶۱	۵/۹۳±۱/۲۶	
۱۱. اوقات فراغت/آرمیدگی	۲۲	۷/۷	۲/۵۹±۰/۹۰	۵/۴۷±۱/۱۵	
۱۲. تعهد اجتماعی	۱۷	۵/۹	۱/۱۷±۱/۹۷	۵/۷۰±۱/۳۱	
۱۳. هنر/فرهنگ	-	-	-	-	
۱۴. لذت‌گرایی	-	-	-	-	
۱۵. رشد	-	-	-	-	
۱۶. اخلاقیات	۳۴	۱۱/۸	۱/۴۷±۱/۶۵	۵/۷۴±۱/۵۰	
۱۷. نیاز به پذیرش اجتماعی	۲۰	۷	۲/۳۲±۱/۶۰	۵/۹۷±۱/۴۳	

1- in median

بالاترین فراوانی را به خود اختصاص داده و طبقات "هنر/فرهنگ"، "لذت‌گرایی" و "رشد" کمترین میزان تکرار را داشته است. از آنجایی که این طبقات منابع معنا از سوی کمتر از ۳٪ شرکت‌کنندگان سالمند در این پژوهش گزارش شدند، مطابق با دستورالعمل مقیاس اطلاعات خام مربوط به آنها در تحلیل و تفسیر نتایج مد نظر قرار نگرفتند.

پس از تخصیص حوزه‌های ذکر شده از سوی سالمندان به طبقات معنای موجود در دستورالعمل مقیاس، منابع و حوزه‌های جدید مطرح شده به روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفتند. به این ترتیب که تمامی منابع و حوزه‌هایی که قابل تخصیص به منابع موجود نبودند مورد کدگذاری قرار گرفتند. ملاحظه می‌گردد که در نمونه‌ی مورد پژوهش حاضر علاوه بر طبقات از پیش تعیین شده‌ی معنای زندگی، دو منبع جدید معنا "اخلاقیات" و "نیاز به پذیرش اجتماعی" از سوی سالمندان شرکت‌کننده در این پژوهش گزارش شده است. آزمودنی‌های این پژوهش در مجموع بیشترین میزان رضایت را از حوزه‌های "طبیعت" و "اوقات فراغت/آرمیدگی" و داشته و کمترین میزان رضایت را از طبقات "رضایت" و "مادیات" اعلام کردند. "خانواده" بیشترین اهمیت و "ارتباطات اجتماعی" کمترین اهمیت را در تعیین معنای زندگی این سالمندان به خود اختصاص دادند.

بررسی تفاوت مردان و زنان سالمند در متغیرهای مورد بررسی گام بعدی در تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر بود. به منظور روشن ساختن تفاوت فراوانی ذکر هر یک از منابع معنای زندگی در دو جنسیت از آزمون کای اسکوئر استفاده شد. نتایج حاصل حاکی از آن است که از میان طبقات معنای زندگی، زنان و مردان سالمند در فراوانی ذکر ۸ طبقه‌ی منابع معنای زندگی با یکدیگر تفاوت معنی دار دارند. مردان سالمند با فراوانی بیشتری طبقات کار ($X^2(1) = 22/43, p < 0/001$)، مادیات ($X^2(1) = 18/43, p < 0/001$)، اوقات فراغت/آرمیدگی ($X^2(1) = 4/72, p < 0/05$)، رضایت ($X^2(1) = 20/38, p < 0/001$)، سلامتی ($X^2(1) = 12/09, p < 0/05$)، اخلاقیات ($X^2(1) = 7/28, p < 0/05$) و تأیید دیگران ($X^2(1) = 10/01, p < 0/05$) را در میان منابع معنا بخش به زندگی ذکر کردند؛ در حالیکه در میان زنان سالمند تنها فراوانی ذکر طبقه‌ی خانواده ($X^2(1) = 6/85, p < 0/05$) به صورت معنی داری بالاتر بود.

در گام بعدی از تحلیل داده‌ها و با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) تفاوت زنان و مردان در شاخص‌های کمی منابع معنا مورد بررسی قرار

گرفت. پیش از استفاده از آزمون تحلیل واریانس پیش فرض همگنی خطای واریانس مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، زنان و مردان در هیچ‌یک از شاخص‌های مرتبط با معنای زندگی تفاوت معنی داری نشان نمی‌دهند.

جدول ۲

تحلیل واریانس بررسی اثر جنسیت بر شاخص‌های منابع معنای زندگی

منابع تغییرات	متغیرهای وابسته	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig	Partial Eta Squared
جنسیت	شاخص رضایت از منابع معنا	۵۳/۰۸	۱	۵۳/۰۸	۰/۱۵	۰/۶۹	۰/۰۰۱
	شاخص اهمیت منابع معنا	۵۲۴/۹۶	۱	۵۲۴/۹۶	۳/۷۴	۰/۰۵	۰/۰۱۳
	شاخص وزنی رضایت	۵۲/۲۴	۱	۵۲/۲۴	۰/۱۶	۰/۶۸	۰/۰۰۱
خطا	شاخص رضایت از منابع معنا	۹۷۷۳/۴۱	۲۸۵	۳۴۳/۰۶			
	شاخص اهمیت منابع معنا	۳۹۹۰۳/۵۱	۲۸۵	۱۴۰/۰۱			
	شاخص وزنی رضایت	۹۲۲۸۰/۲۷	۲۸۵	۳۲۳/۷۹			
کل	شاخص رضایت از منابع معنا	۱۹۹۲۲۶/۵۱	۲۸۷				
	شاخص اهمیت منابع معنا	۲۲۳۸۳۲۲/۸۵	۲۸۷				
	شاخص وزنی رضایت	۲۰۵۱۸۹۵/۳۷	۲۸۷				

جدول ۳ نتیجه‌ی تحلیل واریانس چند متغیری در مقایسه زنان و مردان در ابعاد معنای زندگی را نشان می‌دهد. بررسی آزمون لوین حاکی از رعایت پیش فرض همگنی واریانس خطا بود. همانطور که قابل ملاحظه است زنان و مردان سالمند تنها در جستجوی معنای زندگی با یکدیگر تفاوت معنی دار داشته و مردان در این متغیر میانگین بالاتری را به خود اختصاص داده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی حاضر یافته‌های جالب توجهی را در رابطه با منابع معنابخش به زندگی سالمندان و نیز ابعاد معنای زندگی در این گروه تحولی به دست می‌دهد. یافته‌های این پژوهش حاکی از

جدول ۳

تحلیل واریانس بررسی اثر جنسیت بر ابعاد معنای زندگی

منابع تغییرات	متغیرهای وابسته	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig	Partial Eta Squared
۱	جستجوی معنای زندگی	۳۵۳/۵۷	۱	۳۵۳/۵۷	۸/۷۲	۰/۰۰۳	۰/۰۳
	وجود معنای زندگی	۱۱۸/۲۲	۱	۱۱۸/۲۲	۲/۶۳	۰/۱۰	۰/۰۰۹
۲	جستجوی معنای زندگی	۱۱۵۵۵/۶۸	۲۸۵	۴۰/۵۴			
	وجود معنای زندگی	۱۲۸۰۸/۷۰	۲۸۵	۴۴/۹۴			
۳	جستجوی معنای زندگی	۲۰۸۲۱۶	۲۸۷				
	وجود معنای زندگی	۲۱۰۵۹۶	۲۸۷				

آن است که علاوه بر منابع به دست آمده در پژوهش‌های پیشین در حوزه‌ی منابع معنا، در این نمونه شاهد منابع تازه‌ای از معنای زندگی هستیم. همچنین تحلیل‌ها تفاوت‌های جالب توجهی را در خصوص مولفه‌های مختلف معنای زندگی در میان زنان و مردان سالمند روشن می‌سازد که در زیر به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

اولین منبع معنابخش به زندگی که با بیشترین فراوانی از سوی اغلب سالمندان شرکت‌کننده در این پژوهش گزارش شد "خانواده" بود. این یافته با دیگر مطالعات صورت گرفته در این حوزه همسو می‌باشد (دی‌وگلر و ابرسول، ۱۹۸۱؛ بارتور و همکاران، ۲۰۰۱؛ افلاک‌سیر^۱، ۲۰۱۲). این مطالعات نشان می‌دهند که در همه‌ی گروه‌های مورد مطالعه (از کودکی تا سالمندی) "روابط" (تعاملات با خانواده، دوستان و شرکای عاطفی) اولین حوزه‌ای است که شرکت‌کنندگان به عنوان منبع معنای زندگی خود گزارش می‌دهند.

تغییرات، کاستی‌ها و محدودیت‌های فیزیکی، روانی و اجتماعی که همراه با افزایش سن در سالمند ایجاد می‌گردد وابستگی او را به خانواده افزایش می‌دهد (لی و زنگ^۲، ۲۰۱۵). ارتباط با خانواده و شبکه‌ی حمایتی که خانواده برای سالمندان فراهم می‌کند به عنوان یکی از عوامل مهم در بهزیستی آن‌ها شناخته شده است (کوئلهو و دارت^۳، ۲۰۱۶). تعامل مثبت با خانواده در قالب روابط عاطفی عمیق و حمایت‌کننده امکان تجربه‌ی فعالیت‌های مشترک و

- 1- Aflakseir
- 2- Li & Zhang
- 3- Coelho & Duarte

خوشایند را فراهم ساخته و در عین اینکه به فرد احساس تعلق به یک گروه را می‌دهد در افزایش سلامت روان سالمند نقشی اساسی و تعیین‌کننده دارد. اساساً خانواده کانون اصلی و شالوده پیوندهای اجتماعی و روابط خوشایند در راستای ابراز عواطف انسانی است (سودانی، مهرابی‌زاده‌ی هنرمند، فرحبخش، ۱۳۸۸). با توجه این نقش اساسی و محوریتی که خانواده برای افراد سالمند دارد، جای تعجبی نیست که این عامل به عنوان عمده‌ترین منبع معنای زندگی از سوی آنها گزارش شود.

زنان و مردان سالمند مورد مطالعه در پژوهش حاضر در ذکر تعدادی از منابع معنای زندگی با یکدیگر تفاوت معنی دار داشته و حوزه‌های متفاوتی را معنابخش به زندگی خود قلمداد کردند. زنان سالمند با فراوانی بیشتر طبقه‌ی خانواده را ذکر کردند؛ در حالی که در میان مردان طبقاتی چون کار، مادیات، اوقات فراغت/آرمیدگی، رضایت، سلامتی، اخلاقیات و تأیید دیگران بیشتر در میان منابع معنای زندگی گزارش شده بود. این یافته با دیگر پژوهش‌ها که به تفاوت‌هایی در منابع معنابخش به زندگی زنان و مردان دست یافتند هم‌راستا می‌باشد (بارتور و همکاران، ۲۰۰۱؛ شفر، کلینگمن و لوکاس^۱، ۲۰۰۳؛ شنل، ۲۰۰۹). در تبیین این یافته لازم به ذکر است که انعکاس تفاوت‌های هیجانی، شناختی و عملکردی زنان و مردان را می‌توان در منابعی که به زندگی این دو گروه معنا می‌دهد ملاحظه نمود (بارتور و همکاران، ۲۰۰۱). زنان و مردان سالمند رشد فیزیولوژیک و روانی متفاوتی را پشت سر گذاشته و بسته به جنسیت خود محیط اجتماعی و فرهنگی متفاوتی را تجربه کرده‌اند. برای هر یک از دو جنس در قالب نقش‌های جنسیتی مختلف رفتارها و مسئولیت‌های متفاوتی در جامعه تعیین شده است (مرتضوی، ۱۳۸۶). انتظاراتی که این نقش‌های جنسیتی برای فرد ایجاد می‌کنند، می‌تواند نظام ارزشی متفاوتی را برای سالمندان زن و مرد رقم بزند. به عنوان مثال مردان غالباً به عنوان منطقی، مبارز و فعال شناخته شده و زنان دارای ویژگی‌هایی چون ضعیف، عاطفی و غیر فعال تلقی می‌شوند (مرتضوی، ۱۳۸۶). با در نظر گرفتن این ویژگی‌های متفاوت و الزامی که جوامع برای همسویی با آنها برای افراد هر یک از دو جنس ایجاد می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که منابع متفاوتی از معنای زندگی برای زنان و مردان سالمند مطرح باشد. علاوه بر نقش‌پذیری اجتماعی تفاوت ملاحظه شده در منابع معنابخش به زندگی را می‌توان نتیجه‌ی

1- Schaefer, Klingman, & Lucas

تفاوت‌های روان‌شناختی میان زنان و مردان دانست. به این ترتیب که زنان تمایل بیشتری دارند که خود را بر حسب روابط بین شخصی با دیگران تعریف کنند و به مقولات اجتماعی، صمیمیت و مراقبت علاقه‌مندی بیشتری نشان می‌دهند؛ در حالی که مردان بیشتر به موفقیت و پایگاه فردی تمایل دارند (رستگار خالد، ۱۳۸۹). این ترجیح پیشرفت و دستاوردهای شخصی در مردان در ذکر بیشتر منابعی چون کار، مادیات و تأیید دیگران مشهود می‌باشد. به عبارتی، چنین به نظر می‌رسد که مردان غالباً از پیشرفت شخصی و موفقیت شغلی و مالی به معنا دست می‌یابند.

علاوه بر این تمایل بیشتر زنان در تعریف خود در چارچوب روابط کاملاً در فراوانی ذکر بیشتر خانواده در زنان سالمند قابل ملاحظه است. به طور کلی زنان در مقایسه با مردان بیشتر با امور خانه و خانواده سر و کار داشته و زمان بیشتری از عمر خود را صرف پرورش فرزندان و در کل رسیدگی به اعضای خانواده سپری می‌کنند. این نقش پررنگ خانواده برای زنان به ویژه در نمونه‌ی مورد پژوهش حاضر مشهود می‌باشد. امروزه زنان مشغول کار در خارج از خانه و مردان درگیر در نقش‌های خانوادگی خود هستند (شناور، بشلیده، هاشمی و نعیمی، ۱۳۹۴)؛ الگویی که در نسل‌های گذشته کاملاً برعکس بوده است. زنان شرکت‌کننده در این مطالعه عمدتاً متعلق به نسلی هستند که زمان و تلاش عمده‌ی خود را صرف امور خانه و خانواده می‌کردند. این زنان در مقایسه با زنان امروزی استقلال مالی و کاری کمتری داشته و دغدغه‌ی اصلی آنها را امور خانوادگی به خود اختصاص می‌داده است. لذا، می‌توان انتظار داشت که این زنان سالمند بیشتر از روابط با خانواده معنای زندگی را اتخاذ کنند.

در پژوهش حاضر دو منبع جدید معنای "اخلاقیات" و "نیاز به پذیرش اجتماعی" از سوی سالمندان مورد مطالعه به عنوان منابع معنای زندگی مطرح شد. این طبقات جدید منابع معنای زندگی در کنار ویژگی‌های تحوّل‌ی مختصّ سالمندی می‌تواند تفاوت‌های بین فرهنگی مطالعه‌ی حاضر با مطالعات پیشین در این زمینه را نیز برجسته سازد. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد سازه‌ی معنای زندگی در جوامع مختلف از ساختار فرهنگی و اجتماعی حاکم تأثیر می‌پذیرد (استگر و همکاران، ۲۰۰۸). به عبارتی، ارزش‌ها و باورهای زیرساز منابع معنای زندگی متناسب با زمینه‌ی فرهنگی جامعه تغییر می‌کنند. این ارزش‌ها شخص را در یک چارچوب تاریخی-فرهنگی خاص قرار داده و به شکل گرفتن ساختار معنای زندگی او کمک می‌کنند. در همین راستا و در تبیین ظهور "اخلاقیات" در میان منابع معنای زندگی در منظر سالمندان می‌توان به شمول باورهای اخلاقی

برگرفته از آموزه‌های دینی و در کل تأثیرات گسترده‌ی دین اسلام در ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور توجه کنیم. آموزه‌هایی از قبیل حفظ حقوق دیگران و احترام به دیگران، محبت، صداقت، راستی و درستی از جمله تعلیماتی است که تأثیری انکارناپذیر بر فرهنگ‌های سطح خرد و کلان جامعه ما داشته است. هفت اصل اساسی هوش اخلاقی یعنی همدردی، هوشیاری، خودکنترلی، احترام، مهربانی، صبر و بردباری و انصاف (بوربا^۱، ۲۰۰۵) هم‌پوشی قابل توجهی با بسیاری از آموزه‌های دین اسلام دارد. این آموزه‌های اخلاقی دینی به ویژه در میان سالمندان به عنوان افرادی از نسل‌های گذشته حائز اهمیت و برجستگی است. شواهد حاکی از آن است که با افزایش در سن نگرش و احساسات مذهبی، باورهای دینی و عمل به وظایف دینی افزایش نشان می‌دهد (معتمدی، ازهای، آزادفلاح و کیامنش، ۱۳۸۴). در نتیجه، می‌توان این گونه بیان داشت که اهمیت و برجستگی آموزه‌های اخلاقی در زندگی سالمندان قطعاً در معنای زندگی آنها به عنوان چارچوبی که از آن به خود و زندگی می‌نگرند، تجلی می‌یابد.

منبع جدید دیگری که سالمندان مورد مطالعه حاضر به آن اشاره کردند نیاز به پذیرش اجتماعی بود که شامل عواملی چون آبرو، احساس ارزشمند بودن در نگاه دیگران، احترام از سوی دیگران، مورد توجه بودن از سوی دیگران می‌باشد. ظهور این منبع معنای جدید در سالمندان مورد مطالعه را می‌توان تا حدی به ویژگی‌های روان‌شناختی این دوره از تحول نسبت داد. سالمندی با کاهش قابل توجهی در کارکردهای اجتماعی و فردی همراه است و تغییرات و کاستی‌های فزاینده‌ای که در زندگی یک سالمند ایجاد می‌گردد نیاز به پذیرش را در این گروه سنی بیش از پیش مطرح می‌سازد. به عبارتی، نقصان‌های پدیدار شده همراه با افزایش سن تزلزلی در مفهوم خود فرد سالمند ایجاد کرده و در نتیجه نیاز به تعلق به گروه و تأیید شدن از سوی این گروه در فرد برجسته‌تر می‌گردد (سیکس‌میت، سیکس‌میت، فنگ، نوآمن و همکاران^۲، ۲۰۱۴). اهمیت دادن به نظر دیگران تا حدی که در منابع معنابخش به زندگی تجلی یابد را می‌توان از نقطه نظر ساختار و ویژگی‌های فرهنگی نیز مورد تبیین قرار داد. به نظر می‌رسد توجه به تأیید دیگران در جوامعی با فرهنگ‌های جمع‌گرا که در آن شکل‌گیری خود وابسته به دیگران مهم‌تر از خود مستقل تلقی می‌شود قابل ملاحظه است

1- Borba

2- Sixsmith, Sixsmith, Fänge, & Naumann

(تقوی، آزادفلاح، موتابی و طلایی، ۱۳۹۴). از نقطه نظر فرهنگی و با در نظر گرفتن جمع‌گرایی حاکم بر خانواده‌های ایرانی، فرهنگ ایرانی را می‌توان نوعی "فرهنگ با وابستگی درونی"^۱ به شمار آورد (واتکینز^۲، مرتضوی و تروفیمووا^۳، ۲۰۰۰)؛ به عبارتی این وابستگی درونی غالباً در فرهنگ‌هایی جمع‌گرا که به منافع گروهی (مانند گروه خانواده در ایران) اولویت می‌دهند، قابل ملاحظه می‌باشد (مرتضوی، ۱۳۸۶). یک فرد ایرانی با وجود حفظ پیوندهای قوی عاطفی و هیجانی با خانواده و اقوام خود، در حالت بروز تعارض بین منافع شخصی و خانوادگی، احتمالاً به منافع خانوادگی اولویت داده و حفظ آبروی خانواده برای او دارای اهمیت بالاتری می‌باشد (مرتضوی، ۱۳۸۱). با در نظر گرفتن این پیشینه‌ی فرهنگی طرح شدن نیاز به پذیرش اجتماعی به عنوان یکی از منابع معنابخش به زندگی قابل انتظار است.

در نهایت آنچه که در میان یافته‌های این مطالعه جالب توجه و حائز اهمیت می‌باشد این مسأله است که زنان و مردان سالمند تنها در بعد جستجوی معنای زندگی با یکدیگر تفاوت معنادار داشته و مردان در این متغیر میانگین بالاتری را به خود اختصاص داده‌اند. سالمندی بیش از آنچه پیش‌تر تصور می‌شد دوران تحولی پویایی است و سالمندان بر خلاف باور سابق به دنبال غنی‌سازی معنای حضور خود در هستی بوده و به جستجوی معنای بیشتر ادامه می‌دهند (استگر و همکاران، ۲۰۰۹). به نظر می‌رسد یکی از تکالیف عمده‌ی سالمندی دستیابی به خرد و بصیرت تغییر در سیستم معنای شخصی می‌باشد. لذا بر خلاف آنچه پیش‌تر تصور می‌شد و یا آنچه در نمونه‌های غربی قابل ملاحظه است جستجوی معنای بالاتر به معنای بهزیستی پایین‌تر تلقی نمی‌گردد. تحقیقات بین فرهنگی حاکی از آن هستند که در جوامع غیر غربی رابطه‌ای مثبت میان جستجو برای معنا و وجود معنا وجود دارد (استگر و همکاران، ۲۰۰۸). لذا به نوعی می‌توان جستجوی بالاتر معنا در مردان را به معناداری بیشتر در این گروه تعبیر نمود. به این ترتیب می‌توان یافته‌ی فوق را از دو منظر مورد تبیین قرار داد. نخست اینکه، با توجه به این یافته به نظر می‌رسد مردان در مقایسه با زنان بیشتر به دنبال یافتن معنای جدید در نقش‌ها و موقعیت‌های تازه‌ی خانوادگی، کاری و اجتماعی هستند که در این سنین تجربه می‌کنند. در نمونه‌ی مورد مطالعه‌ی حاضر اغلب زنان فاقد شغل بوده و در مقابل اغلب مردان

1- interdependent culture

2- Watkins

3- Trofimova

(حتی آن دسته که خود را بازنشسته اعلام کرده بودند) مشغول به کار بودند. این سالمندان مرد در مقایسه با گذشته و دوران جوانی خود طبیعتاً چالش‌های شغلی و اجتماعی کمتری را تجربه می‌کنند (لاتون، موس، ویتتر و هافمن^۱، ۲۰۰۲). در نتیجه و با در نظر گرفتن تغییر در شرایط شغلی و اجتماعی قابل انتظار است که این مردان در مقایسه با زنان جستجوی معنای بالاتری را گزارش دهند. تبیین دیگری که می‌توان برای این یافته در نظر گرفت از ارتباط مثبت میان وجود و جستجوی معنای زندگی در نمونه‌ی حاضر نشأت می‌گیرد. همان‌طور که ذکر شد این ارتباط مثبت در فرهنگ‌های غیرغربی رایج بوده و تلویحاً بدان معنا است که افرادی با جستجوی معنای بالاتر وجود معنای بالاتری را تجربه می‌کنند. از آنجا که به استناد تحقیقات صورت گرفته معنای زندگی بیشتر منعکس‌کننده‌ی میزان بهزیستی بالاتر به شمار می‌رود (پارک و همکاران، ۲۰۱۰؛ استگر و همکاران، ۲۰۱۱)، یافته‌ی فوق به عبارتی بدان معنا است که شرکت‌کنندگان مرد در این پژوهش بهزیستی بالاتری را در مقایسه با زنان گزارش کرده و نشان می‌دهند. یکی از دلایل چنین یافته‌ای را می‌توان در این مساله جستجو کرد که به استناد مطالعات صورت گرفته در این خصوص، زنان در مقایسه با مردان در تجربه‌ی عواطف منفی نمره‌های بالاتری گزارش می‌دهند (نولن-هوکسما^۲، ۲۰۰۵). علاوه بر این، از آنجایی که منابع استرس و امکانات مختلفی در اختیار هر یک از افراد دو جنسیت قرار می‌گیرد که منجر به تفاوت در میزان سلامتی آنها می‌گردد، زنان و مردان از نظر ابعاد و میزان بهزیستی با یکدیگر تفاوت دارند (وَنگ و میائو^۳، ۲۰۰۷). یکی دیگر از علل بهزیستی پایین‌تر زنان را می‌توان در عوامل فرهنگی و اجتماعی حاکم بر نمونه‌ی حاضر جستجو کرد. در جامعه‌ی ما زنان با محدودیت‌های اجتماعی و سنتی بیشتری در مقایسه با مردان رو به رو هستند، لذا این فشارهای اجتماعی می‌تواند تبیینی برای میانگین پایین‌تر زنان در جستجو معنا و در کل معناداری زندگی در این مطالعه باشد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر در نظر گرفتن صرفاً جمعیتی از سالمندان بود که در کنار خانواده (همسر و یا فرزندان) زندگی می‌کردند. مطالعات حاکی از این هستند که سالمندان تنها در مقایسه با سالمندان غیر تنها و سالمندان مقیم در خانه‌ی سالمندان در مقایسه

1- Lawton, Moss, Winter, & Hoffman

2- Nolen-Hoeksema

3- Wang & Miao

با دیگر سالمندان از سلامت روانی کمتری برخوردار هستند (مومنی، کرمی و مجذوبی، ۱۳۹۲). پژوهش‌های آتی در این حوزه با مطالعه معنای زندگی در میان گروه‌های مختلف سالمندان می‌تواند بسیار آگاهی بخش باشد.

استرس‌های فزاینده‌ی کمی و کیفی در دوران سالمندی همراه با مشکلات جسمی و روانی این دسته از افراد لزوم انجام مداخلات درمانی را بیش از هر رده‌ی تحولی دیگر روشن می‌سازد. یک سیستم معنایی موفق در هر موقعیتی به فرد سالمند امکان می‌دهد که بالاترین بهزیستی ممکن در آن موقعیت را داشته باشد. در این راستا درک چگونگی منابع معنابخش به زندگی و ابعاد معناداری افراد بنیان مناسبی برای درمان‌های مختلف روانی از جمله معنادرمانی به دست می‌دهد. مطالعه‌ی حاضر با روشن ساختن منابع و ابعاد معنای زندگی در نمونه‌ای از سالمندان می‌تواند راهگشای طراحی برنامه‌های درمانی و توانمندسازی سالمندان در راستای رسیدن به یک سیستم معنایی موفق و در نتیجه بهزیستی بالاتر باشد.

منابع

- تقوی، نغمه؛ آزاد فلاح، پرویز؛ موتابی، فرشته و طلائی، ابراهیم (۱۳۹۴). تحلیل کیفی بهزیستی فاعلی از دیدگاه دختران نوجوان. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۴۳، ۲۴۶-۲۲۹.
- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۹). تفاوت‌های جنسیتی در انگیزش و پیشرفت تحصیلی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳، ۵۰، ۱۲۴-۸۱.
- سودانی، منصور؛ مهرابی‌زاده‌ی هنرمند، مهناز و فرحبخش، سارا (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش به شیوه شناختی-رفتاری بر بهبود عملکرد خانواده زوجین ناسازگار. مجله‌ی دست‌آوردهای روان‌شناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)، ۴ (۲)، ۸۶-۷۱.
- شناور، فضل‌الله؛ بشلیده، کیومرث؛ هاشمی، سیداسماعیل و نعیمی، عبدالزهرا (۱۳۹۴). بررسی نقش میانجی‌گری تعارض کار-خانواده در رابطه بین استرس و حمایت اجتماعی با خشنودی شغلی و خشنودی خانوادگی. مجله‌ی دست‌آوردهای روان‌شناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)، ۴ (۱)، ۱۳۲-۱۱۱.
- قربان‌پور، مسعود و اسماعیلی، علی (۱۳۹۱). تعیین اثربخشی معنادرمانی بر اضطراب مرگ در سالمندان. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۹، ۶۸-۵۳.
- مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۱). ارتباطات خانوادگی، ارزش‌های فرهنگی و خودپنداره نمونه‌هایی از دانشجویان و کارمندان یک دانشگاه ایرانی (شهید بهشتی) و یک دانشگاه آمریکایی (پرتلند). قرارداد پژوهشی با معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی.
- مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۶). روان‌شناسی اجتماعی: نمونه‌هایی از پژوهش‌های درون و بین فرهنگی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- معمدی شلمزاری، عبدالله؛ اژه‌ای، جواد؛ آزادفلاح، پرویز و کیامنش، علیرضا (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین گرایش‌های مذهبی و سالمندی موفق. دانش‌ور رفتار، ۱۲ (۱۰)، ۵۶-۴۳.
- مومنی، خدامراد؛ کرمی، سمیرا و مجدوبی، محمدرضا (۱۳۹۲). مقایسه سبک زندگی، حرمت خود و سلامت روانی سالمندان تنها، غیر تنها و مقیم سرای سالمندان. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۱۰، ۳۸، ۱۴۸-۱۳۹.

- Aflakseir, A. (2012). Religiosity, personal meaning, and psychological well-being: A study among Muslim students in England. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, 9 (2), 27-31.
- Bar-Tur, L., Savaya, R., & Prager, E. (2001). Sources of meaning in life for young and old Israeli Jews and Arabs. *Journal of Aging Studies*, 15 (3), 253-269.
- Baum, S. K., & Stewart, R. B. (1990). Sources of meaning through the lifespan. *Psychological Reports*, 67, 3-14.
- Borba, M. (2005). The step-by-step plan to building moral intelligence. *Nurturing Kids Heart & Souls. National Educator Award, National Council of Self-esteem: Jossey-Bass.*
- Burbank, P. M. (1992). An exploratory study: Assessing the meaning in life among older adult clients. *Journal of gerontological nursing*, 18 (9), 19-28.
- Coelho, J., & Duarte, C. (2016). A literature survey on older adults' use of social network services and social applications. *Computers in Human Behavior*, 58, 187-205.
- De Vogler, K. L., & Ebersole, P. (1981). Adults' meaning in life. *Psychological Reports*, 49, 87-90.
- Debats, D. L. (1999). Sources of Meaning: An Investigation of Significant Commitments in Life. *Journal of Humanistic Psychology*, 39, 30.
- Dwyer, L. L., Nordenfelt, L., & Ternstedt, B. M. (2008). Three nursing home residents speak about meaning at the end of life. *Nursing Ethics*, 15 (1), 97-109.
- Erikson, E. H. (1985). *The life cycle completed: A review*. New York: W. W. Norton & Company.
- Fegg, M. J., Kramer, M., L'hoste, S., & Borasio, G. D. (2008). The Schedule for Meaning in Life Evaluation (SMiLE): Validation of a New Instrument for Meaning-in-Life Research. *Journal of Pain and Symptom Management*, 35 (4), 356-364.
- Kudla, D., Kujur, J., Tigga, S., Tirkey, P., Rai, P., & Fegg, M. J. (2015). Meaning in life experience at the end of life: Validation of the hindi version of the schedule for meaning in life evaluation and a cross-cultural comparison between indian and german palliative care patients. *Journal of Pain and Symptom Management*, 49 (1), 79-88.
- Lawton, M. P., Moss, M. S., Winter, L., & Hoffman, C. (2002). Motivation in later life: Personal projects and well-being. *Psychology and Aging*, 17 (4), 539.
- Li, T., & Zhang, Y. (2015). Social network types and the health of older adults: Exploring reciprocal associations. *Social Science & Medicine*, 130, 59-68.
- Nolen-Hoeksema, S. (2005). Gender differences in depression. In Gotlib, I. H., hammen, C. L., (eds.). *Handbook of Depression*. New York:

Guilford press.

- Park, N., Park, M., & Peterson, C. (2010). When is the search for meaning related to life satisfaction? *Applied Psychology: Health and Well-Being*, 2 (1), 1-13.
- Reker, G.T., Peacock, E.J., & Wong, P.T.P. (1987). Meaning and purpose in life and well-being: A life-span perspective. *Journal of Gerontology*, 42, 44-49.
- Ryff, C. D., & Keyes, C. L. (1995). The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69 (4), 719-727.
- Schaefer, K. L., Klingman, B., & Lucas, M. (2003). Sources of Meaning in Life in College Students. www.counseling.umd.edu/Infodata/scmeaninginlife.pdf.
- Schnell, T. (2009). The Sources of Meaning and Meaning in Life Questionnaire (SoMe): Relations to demographics and well-being. *The Journal of Positive Psychology*, 4 (6), 483-499.
- Sixsmith, J., Sixsmith, A., Fänge, A. M., Naumann, D., Kucsera, C. S. A. B. A., Tomson, S., ... & Woolrych, R. (2014). Healthy ageing and home: The perspectives of very old people in five European countries. *Social Science & Medicine*, 106, 1-9.
- Steger, M. F. (2012). Experiencing meaning in life: Optimal functioning at the nexus of spirituality, psychopathology, and wellbeing. In P. T. P. Wong (Ed.), *The human quest for meaning* (2nd ed., pp. 165-184). New York, NY: Routledge.
- Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., & Kaler, M. (2006). The meaning in life questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life. *Journal of counseling psychology*, 53 (1), 80.
- Steger, M. F., Kawabata, Y., Shimai, S., & Otake, K. (2008). The meaningful life in Japan and the United States: Levels and correlates of meaning in life. *Journal of Research in Personality*, 42 (3), 660-678.
- Steger, M. F., Oishi, S., & Kashdan, T. B. (2009). Meaning in life across the life span: Levels and correlates of meaning in life from emerging adulthood to older adulthood. *The Journal of Positive Psychology*, 4 (1), 43-52.
- Steger, M. F., Oishi, S., & Kesebir, S. (2011). Is a life without meaning satisfying? The moderating role of the search for meaning in satisfaction with life judgments. *The Journal of Positive Psychology*, 6 (3), 173-180.
- Takkinen, S., & Ruoppila, I. (2001). Meaning in life in three samples of elderly persons with high cognitive functioning. *The International Journal of Aging and Human Development*, 53 (1), 51-73.
- Wang, W.L., & Miao, D.M. (2007). Research review of college student's psychological quality. *US-China Education Review*, 4 (3), 54-60.

Watkins, D., Mortazavi, S., & Trofimova, I. (2000). Independent and interdependent conceptions of self: An investigation of age, gender, and culture differences in importance and satisfaction ratings. *Cross-Cultural Research*, 34 (2), 113-134.